

دیباجہ نوری

DIBACHAH-I NAURAS

By
Zuhuri

Folios	:	22
Subject	:	Music
Illustrated/Illuminated:	:	-
Script	:	Nasta'liq
Scribe	:	-
Date of transcription	:	19th Century A.D.
Condition	:	Good
HL No.	843 ;	Cat No. 870

Preface to Nauras, a treatise on Indian Music. Written in ornate prose by Zuhuri; see No. 284, iii.

Beginning:

سرود سراپان عشرت کلمہ قال الخ *

DIBACHAH-J NAURAS

843

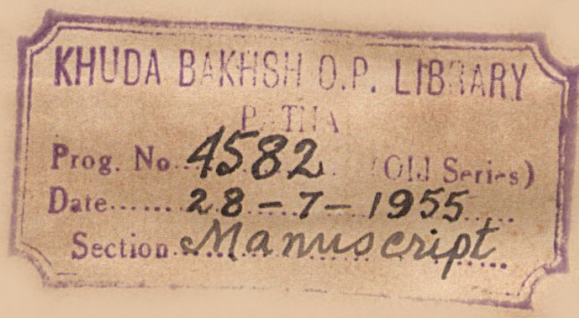
O.P.L.

843

H. L. no. 843

P. No. 4565

C - 870



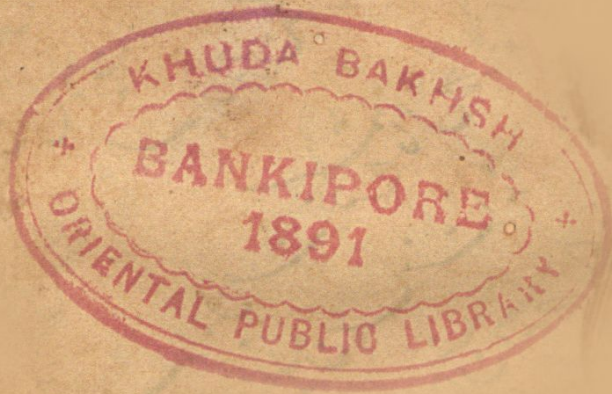


علم ادب فارسی

۴۵

خط در خط

No 843
۵۱۵



۱۲۳

سید الدجین الکریم
 زبان عالم کار کام و زبان بیان اندم
 نغمه بی بی کن در سر
 و خوش نفسان چمن نشاط و یلبط
 بساط انبساط و خست اندم سیر لال حمد

لفظ الغم سرار پر و اخت: رند

وقتن خلق از غم نون ساحت ش ط ه

باب بیغیر
آید بختن
شک از غم
و غم
سورخ
راز گام
در حجاب

و دو دل تار مایه تال و رنجک: پرو

خالی پرست از لغت دوست: بهمن

دقت را که چون بر میسر و پوست درود

پرساز و برگ بر نوازنده آفتنان که قانون دین

باز می کشم از دست و آورده به دل و صواب است

فانون لقا طفل اولی که در دست سلطان است

شعاع آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

دود آورده در دست و هر کس زود و از دود منقاش

مدح شهنشاه سنجو ز کوه پرور لغت

بردارن ترانه ساز عرش طارم فلک

سعدی بن سید مریم خاتون
بسیار از عطا و عطا
خورشید عالم عین عالم عادل شاه
فرشته خلیل نال بوی عالم عادل شاه
مکان عدل از این عالم عادل شاه
خداوند عالم عادل شاه
عالم عادل شاه

جهاندار جهان گیر جهان بخش

فلک قدر و فلک تحت و فلک حشر

چو او دیکه **صفا** دارد و زعدش

گویند عدل دیگران است **به او**

نماز و قضا **است** **مسافر** **است**

نوشته وین **است** **است** **است**

تفاوت کف و **است** **است** **است**

افزاید **است** **است** **است**

دشمن **است** **است** **است**

زگوشش **است** **است** **است**

سپید زغال محبوب **است** **است**

هم امید گاه است: و ماغ از تار موی

اوتت رست: نگه رابع روی او بهار

بیشماران با دستار: بستانان از تار موی

بیشماران با دستار: بستانان از تار موی

بیشماران با دستار: بستانان از تار موی

بیشماران با دستار: بستانان از تار موی

پیشانیش راوند: سواد و خطایش

و او تندی: و نه صد بحر و کان را حاصل از

چمن خنجر و رزمیر لب پنهان بنویس

زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

بیاوردن زمره شایسته لطف را دم نوازشش تقریر

دست کوه در نظرش بقدر مراد

رنگ صحرای وعده اش بوفانز و ملک

آفرینش ازین و بالسمواته با آفرینش

کوه بساطگاه با علویست قدرش بکمالش

آفرینش ازین و بالسمواته با آفرینش

کوه بساطگاه با علویست قدرش بکمالش

آفرینش ازین و بالسمواته با آفرینش

کوه بساطگاه با علویست قدرش بکمالش

آفرینش ازین و بالسمواته با آفرینش

کوه بساطگاه با علویست قدرش بکمالش

آفرینش ازین و بالسمواته با آفرینش

کلی گشت میوون است ^{و رب}
صبر البیرو گشت شمردن ^{و رب}
زبان گشت ^{و رب}
عظمتی که باور است ^{و رب}
زبان ابیوین ^{و رب}
واجب و لازم است ^{و رب}
که در هر کس است ^{و رب}
کین ^{و رب}
و امیر خوان و در ^{و رب}
و سرور شسته اند ^{و رب}
و ایبره را که مرکز و ایبره اصول است

و تصویر که در قنوتان روزگار قشنگ

مبتدای تشریف بر زانو یی صبر و صبر

باز در این کلام و این کلام و این کلام

و در این کلام و این کلام و این کلام

و در این کلام و این کلام و این کلام

و در این کلام و این کلام و این کلام

و در این کلام و این کلام و این کلام

و در این کلام و این کلام و این کلام

وار صورت سازش به جلای پرور

چشم کور سوادان بمیل و لم در سر

سایه گستر بار طنوس به چرخ
بهر کس که در سجادان در میان

علاج علی بن ابی طالب
در غزل موایان با توفیق عامه

خطش در غزل موایان
در عطار در احباره جبار

شعرش زنده را چه زهره غبار

پرده بدر افتادن قلمش مانند صفا

قیمت منسج چیره مهر **نظم**

خطش سر سبز و چشم دیدن

بوی نازش **بوی** نازش **بوی** نازش
از دور **از** دور **از** دور **از** دور
نفاذ **نفاذ** **نفاذ** **نفاذ** **نفاذ**
گویی که دیدت **گویی** که دیدت **گویی** که دیدت
گویی که دیدت **گویی** که دیدت **گویی** که دیدت

بنیان نکر دیده که تیشش اشکارا به
او شقی نوز ویرج: اگر از تحریک آب

سویب بجا که باز از طوبه
تجدید ریش و غول آفتاب
ازش و فانی نفاع علی و توصیف آن ناز
ازش و فانی نفاع علی و توصیف آن ناز
تغیبات این کرم نفس است و اوقات من و اوست
سبب غایت و اوقات من و اوست
سبب غایت و اوقات من و اوست
سبب غایت و اوقات من و اوست
سبب غایت و اوقات من و اوست

نفا و شش از زویر منجول بر کمران و هیچ
نسبیده طبع و تقا و شش از سبکی بر

خاطر با گسرون: بالغ کلامان مدرسه

سخن طفلان مکتب زبان و انشایش

درست و نادر
میدان بیان بیاد و گمان
عوض نمکته را نشین
قطره منبع و رایج بکبران
مغرب افق و فضا است
روشنی سرفراز
نقطه خورشید

در کهنه اسرار و شعنه شعله و شمشیر

صفت آنمه اظهر: کام سخن و رشک افعال

شیرینی ادا کردن صبیحه

در کند انداز رسا و دیده امید جانها

لعل در لعل آب و بارش از آب و بارش

فصل دوم از شرح لعل و آب و بارش

در لعل و آب و بارش و بارش و بارش

در لعل و آب و بارش و بارش و بارش

در لعل و آب و بارش و بارش و بارش

خود در شرب ری و کنونش همان

در پای بوس است سر ایا کردن

و الی

و کوشش سرد است : لای حق
 بدون سبب است : خیال شاه و الیش
 بند است : نامون
 شکر است : یوسف
 سخن است : خط
 طاعت است : آن
 همان است : بگوید
 نطق و گفتگو درج : نر و تا و رو
 صد زک و بخرج : بجام شوق گردد

بجوه پیمان و هر دو قطعه طوفان

دریا: بحرف او و تیر کیش نیانرا:

از قلم الحفظ این است که در این میان را بجای

بیاوریم تا در این میان را بجای

بیاوریم تا در این میان را بجای

بیاوریم تا در این میان را بجای

بیاوریم تا در این میان را بجای

بیاوریم تا در این میان را بجای

انچه

بدلِ فضا محبِ هر کُلِ نِزاکتِ تکرِ بر در

تقریرِ بحرِ نظا گیانِ از موجِ رطوبتِ

سحر
نظر

عبارتِ نورِ زینتِ
سندِ سحرِ نغماتِ

در بحرِ شکیباییانِ نغماتِ کلماتِ
از زلفِ نازِ شکیباییانِ طراوتِ کلماتِ

و لعلِ بیانِ از زلفِ شمعِ ادا
نغماتِ نغماتِ نغماتِ

آفتابِ نغماتِ نغماتِ نغماتِ
نغماتِ نغماتِ نغماتِ

سپهرِ زلفِ گلِ در غازه جوئی

ز سیرِ پیشِ لبِ و رمازه روئی

هر فرد و کس برین است : نه تنها عذر

صواب هم بر این است : کیسه برین

کجی زان کس که برین است : کلمه ازین

قوت و طمع و نفس و کینه : کلمه ازین

بیزاری و کینه و کینه : کلمه ازین

دشمنی و کینه و کینه : کلمه ازین

و دشمنی و کینه و کینه : کلمه ازین

و دشمنی و کینه و کینه : کلمه ازین

و دشمنی و کینه و کینه : کلمه ازین

راگر زبدا گشت در لب :
سطور ارشده

آواز داروین ورق از پروه های ساز

دور بان نشسته و در وقت جوهر داشت
شماره دشتان خود داشت
باز به پیش از آنکه برفت
بال که او را میخواست
باشد از قبولی که او را میخواست
از دو هفتون که او را میخواست
از آنجا که عواطف خردانه و فراهم
شاء نه شام حال دور و نزدیک است

اهل عراق را از ذوق این معجم محروم

نخواستند خواستم چون این نسخه

عجب بسیار
الفق افتد تا بدین
هر روز در نور و کجاست
مغنیان غرض و راجب
واجب الاذعان
نظمی نقد فایده
عجیب انجان آورده شرح
نقطه محال
بیاچسب مفصل
مفصل در ازند و بعضی
مفصل در ازند و بعضی
حالت مرقوم سازند با وجود انکه تکرار
امتیاز در موشکافینا نهایت وقت

این سخنان بکسر استماع یافتند

بپالایشش و هنرش طبع مستفیدان

میانستند کرد و جانشینان
و خلقتش اهل انصاف و احسان
و گویند که در این راه زیبارست
و زیاده را از دست و کمال است
و زیاده را از دست و کمال است
و زیاده را از دست و کمال است
و زیاده را از دست و کمال است
و زیاده را از دست و کمال است

کرد کار است و سبب کرد کار را اگر

احتیاج چه است نسبت **الا** بکریفا فی کد خور

کفیت و جایش خود شراب:

سخن و نقل لغت برای ایشان نماید: :

نظارت ریشترش اینک بجهنم برآید
چو دشت ارباب بر فانیان برآید
بایست خنجر بر فانیان برآید
بایست خنجر بر فانیان برآید

جواهر فروزش و القاسم

کلیه در شستن کوهر گران بهاد و سخت

ز بیستی سبک روی که به بال است از مرغ دلش
بر شاخ مرغی نازک تو لولولشت

کند تا شتر یه سبک پای دست
بع تواند او دو دگر یه دم کم کت

وینار زود زبده
سینجی بیرون نواند
سند نظام خواطر خاص و عام
چون صفحان بنامشای مجلیست
اوام بنامشای مجلیست
مجموعه روح

جسم ندیده ولایه کلام معجز نظام
ور درج گوشتش هوشش نکشیده

کمان نبه ند که این استایش از قوله

سنايش و بکیرده احان ست که در مع

میر و مان خورده **قطعه** و در باد و مطلع

سنايش با مکنند **قطعه** و در باد و مطلع

و خورده احان **قطعه** و در باد و مطلع

سنايش با مکنند **قطعه** و در باد و مطلع

و خورده احان **قطعه** و در باد و مطلع

سنايش با مکنند **قطعه** و در باد و مطلع

و خورده احان **قطعه** و در باد و مطلع

مبلغ رستم نیت و شتر قانون لغزش

صحیح پش خربت دوم نه ممکن را عبا

دور از یاد تا نماند از فطرت و فطرت
سوادت بر ما دل
مقال مطلع که در دست به لغزش است
که اطلب از هزار ادب است این و عایا و صدق
و عدا و خدایا و دوزخ و ازل
از انعام و نیکو و ازل

دانست تا رکاس طبع و خورشید

نار شاعری و در مدین است نیم

نعمه از لب مجلس خدایان

در وزیدن باد و تابان قانون سخن

نیز زانسانان و نیکوین و نیکوین

سفر از انباشته جهان و نیکوین

نزد زانسانان و نیکوین و نیکوین

کلام از انباشته جهان و نیکوین

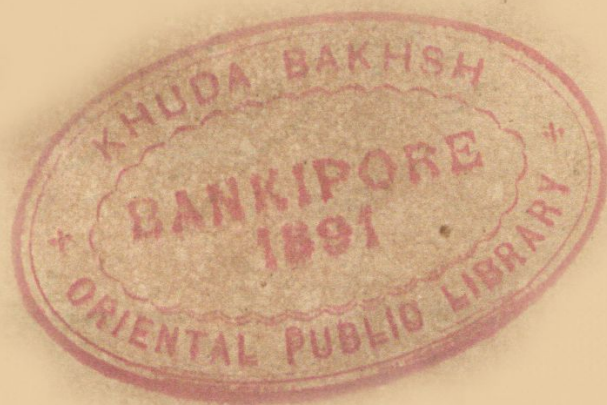
نیز زانسانان و نیکوین و نیکوین

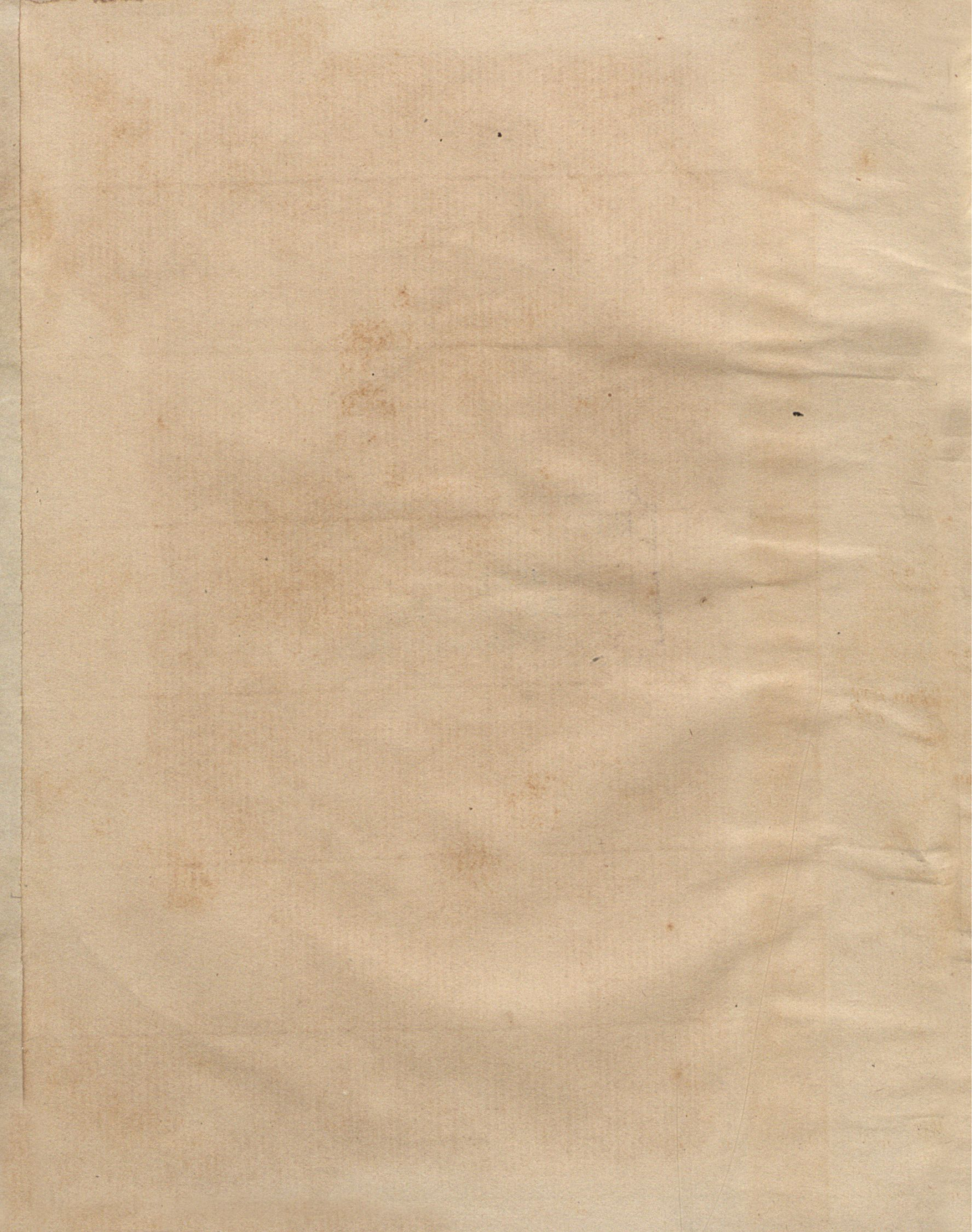
نیکوین و نیکوین و نیکوین

در امان هم بر اهل اصولش

لَوْ فُتِحَ عَالَمُكُمْ لَمَّا لَوْنٌ

تقریباً دو صد سال پیش
زبان دعا و جادو
تقریباً دو صد سال پیش





KHUDA BAKHSI O.P. LIBRARY

PATNA

Prog. No. 4582 ... (Old Series)

Date 28-7-1955

Section Manuscript

